

امام حسین (ع) و تربیت فرزندان

یکی از شیوه های تربیتی مورد اتفاق صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت، شیوه کارآمد تشویق است.

* تشویق فرزندان در برابر کار خوب آنان

یکی از شیوه های تربیتی مورد اتفاق صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت، شیوه کارآمد تشویق است. تشویق به جا و متناسب با فعالیت انجام شده، به ایجاد انگیزه در فرد منجر شده، به تکرار و تقویت رفتار می انجامد. چه بسا فرزندان از ارزش و اعتبار صفات مثبت خود آگاهی نداشته، در نتیجه به شخصیت حقیقی و توانمندیهای ثبت خویش پی نبرده، خود را در مقایسه با دیگران ناچیز به شمار آورند. از این رو والدین و مربیان باید ویژگیهای مثبت فرزندان را کشف و برجسته سازند؛ مورد ستایش و تشویق قرار دهند. در فرهنگ اسلامی که تربیت دینی و اخلاقی فرزندان در کانون توجه است. بر تشویق فرزندان هنگام بروز رفتارهای دینی و برجسته کردن صفات اخلاقی و معنوی آنان بسیار تأکید شده است. امام سجاد(ع) فرمود: من به بیماری شدیدی مبتلا شدم. پدرم بربالینم آمد و فرمود: ماتشتهی؟ فقلت: اشتھی ان اکون ممن لا اقترح (1) علی الله ربی مایدبره لی، فقال لی: احسنت ضاهیت ابراهیم الخلیل صلوات الله علیه حیث قال جبرئیل(ع): هل من حاجه؟ فقال: لا اقترح علی ربی بل حسبی الله و نعم الوکیل. (2) چه خواسته ای داری؟ عرض کردم: دوست دارم از کسانی باشم که درباره آنچه خداوند برایم تدبیر کرده، نپرسم؟ پدرم در مقابل این جمله به من آفرین گفت و فرمود: تو مانند ابراهیم خلیل؛ به هنگام گرفتاری جبرئیل نزدش آمد و پرسید: از ما کمک می خواهی؟ او در جواب فرمود: (درباره آنچه پیش آمده) از خداوند سؤال نمی کنم. خداوند مرا کافی است و او بهترین وکیل است. در این حدیث ملاحظه می شود که امام حسین(ع) در مقابل پاسخ عارفانه و دلنشین فرزندش که براساس ظاهر حدیث، سن و سال چندان هم نداشت. جمله «احسنت» را به کار برد و او را به «ابراهیم خلیل» تشبیه کرد.

* اهمیت آموزشهای دینی فرزندان

و قدردانی از معلمان و مربیان

در اسلام دانش آموزی مورد اهتمام شدید بوده و رهبران دینی پیروان خود را به آموزش و اندوختن دانش، به ویژه معارف دینی، تشویق کرده اند.

براساس سخنان معصومان(علیهم السلام)، معلمان و مربیان، به خصوص آنان که در تعلیم آموزه های دینی می کوشند، حق بزرگی برجامعه دارند و باید تلاش صادقانه شان مورد قدردانی و سپاسگزاری قرارگیرد تا رغبت و انگیزه بیشتری بیابند. مرحوم بحرانی

درحلیه الأبرار از شیخ فخرالدین نجفی که از فضلا و زهاد بود. چنان نقل کرده که شخصی به نام عبدالرحمان در مدینه معلم کودکان بود و یکی از فرزندان

امام حسین(ع) به نام «جعفر» نزدش آموزش می دید. معلم جمله «الحمد لله رب العالمین» را به جعفر تعلیم داد. هنگامی که جعفر این جمله را برای پدر قرائت کرد، حضرت معلم فرزندش را فراخواند و هزار دینار و هزار حله... به او هدیه داد. وقتی حضرت به خاطر پاداش زیاد مورد پرسش قرار گرفت، در جواب فرمود:

«و انی تساوی عطیتی هذا بتعلیمه الحمد لله رب العالمین» .

هدیه من برابر با تعلیم « الحمد لله رب العالمین » است. (3)

* احترام به انتخاب جوان در امر ازدواج

جوانان به سبب کمی تجربه به استفاده از تجارب و نصایح والدین نیازمندند، اما آنان دیگر دوران کودکی و نوجوانی را پشت سرگذاشته و به حدی از رشد رسیده اند که خود حق انتخاب داشته، برای خود تصمیم بگیرند. از این رو، شایسته است والدین در دوران کودکی و نوجوانی زمینه استقلال و قدرت تصمیم گیری آنها را فراهم آورده، آنان را چنان تربیت کنند که سمت انتخاب های معقول و تصمیم هایی منطقی پیش روند و مصالح واقعیشان را بر منافع آنی و زودگذر ترجیح دهند. اگر فرزندان به این حد از رشد و استقلال رسیدند، باید به آنان اعتماد کرد و به تصمیم ها و انتخابهایشان احترام نهاد. جوان در طول زندگی با انتخابهای گوناگون رو به روست و یکی از مهمترین آنها گزینش همسر است. در این مسئله، چنانچه فرزند از قدرت انتخاب صحیح و معقول برخوردار است، باید به وی حق انتخاب داد و از ازدواجهای تحمیلی پرهیز کرد. حسن (4)،

فرزند امام حسن مجتبی(ع) یکی از دختران

امام حسین(ع) را خواستگاری کرد. امام حسین(ع) به او فرمود: «اختر یا بنی اجتهما الیک.» فرزندم! هر کدام را بیشتر دوست داری انتخاب کن.

فرزند امام مجتبی(ع) شرم کرد و جوابی نداد. آنگاه امام حسین(ع) فرمود: من دخترم فاطمه را برایت انتخاب کرده ام؛ زیرا او به مادرم فاطمه دختر رسول خدا(ص)

شبيه تر است.»

پی نوشت ها:

- 1- اقترح عليه شيئاً: سألته اياه من غير روية و منه الحديث « ان رسول الله(ص) لا يقترح على ربه فى شىء يامره به »(مجمع البحرين، طريحي، ج 2، ص 404).
- 2- بحار الأنوار، ج 46، ص 67، ح 34.
- 3- حلية الأبرار، سيد هاشم بحراني، ج 1، ص 582.
- 4- در کتب سیره و تاریخ ائمه(ع) از حسن به عنوان یکی از فرزندان امام مجتبی(ع) یاد شده، شیخ مفید در الارشاد از او چنین یاد می کند: « و اما حسن بن احلسن فکان جلیلا، رئیساً، فاضلاً، ورعاً...»(الارشاد، ص 196، مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 192، بحار الأنوار، ج 44، ص 163، عوالم، ج 2، ص 306).